

نشریه علمی - پژوهشی گوهر گویا
سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۷، ص ۳۰-۱

انواع ادبی در حماسه های ملی ایران

محمد رضا صرفی* - محمود مدبری** - محمد صادق بصیری***
حسین میرزا نیک نام****

چکیده

حماسه های ملی ایران و در راس آن ها شاهنامه، سرگذشت پرفراز و نشیب ایران است در اندیشه ایرانی، آن گونه که بوده است یا آن گونه که ایرانی می پنداشته که بوده است یا می خواسته که بوده باشد. چنین آثار سترگی بایسته است که از هر دیدگاه و جنبه ای مورد بررسی قرار بگیرند. یکی از این جنبه ها، بررسی محتوایی این آثار از منظر انواع ادبی (Literary Genres) یا به قول قدما اغراض شعری است. حماسه اگر چه خود یک نوع مستقل است؛ اما به سبب گستردگی موضوعات آن، در درون خود انواع متفاوت دیگری نیز نهفته دارد. با بررسی و مطالعه دقیق ده اثر حماسی ملی ایران (شاهنامه، گرشاسپ نامه، برزنامه، فرامرزنامه، بانوگشپ نامه، شهریارنامه، بهمن نامه، کوش نامه، کک کوهزاد و جهانگیرنامه)، در مجموع چهل و شش نوع ادبی در درون آن ها یافت شد که حاصل کار، آمار دقیق هر یک از انواع ادبی در هر یک از این منظومه ها و نیز بررسی تداخل هر یک از آن انواع، در یک دیگر است.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان M_sarfi@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان modaberi2001@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان Basiri@mail.uk.ac.ir

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش ۸۷/۱۲/۱۲

تاریخ وصول ۸۷/۴/۱۹

واژه‌های کلیدی

حماسه ملی ایران، انواع ادبی، انواع مشترک.

۱- مقدمه

زبان ابزاری است برای ارتباط افراد، بیان تصورات و انتقال افکار اندیشه بشری. (بروشه، ۱۳۷۷: ۱) چنین ابزاری بی گمان کارکردهای گوناگونی نیز خواهد داشت. یکی از این کارکردها، «ارتباط ادبی و رساندن پیام ادبی است» (برومند ۱۳۷۳: ۹)؛ اما تعریف ساده و روشنی از ادبیات، با این همه سخن فراوان از آن، کار ساده‌ای نیست.

ادب در آغاز دوره اسلامی «فرهنگی بوده است، مقابل فرهنگ دینی که مجموعاً علم خوانده می شده» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۶)؛ این معنی گسترده ادب در آغاز بوده که سبب شده آن را «شناخت اموری بدانند که آدمی را از خطا مصون می دارد» (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۷). بدیهی است که چنین معنای وسیعی از ادب، کار دسته بندی آن را مشکل یا غیر ممکن می سازد؛ اما اگر بپذیریم که ادب مجموعه تلمبار شده آثار نیست (فرای، ۱۳۷۷: ۳۰)، کلامی نیست که تنها حاصل یک خیال پردازی مجرد و فردی و ناشی از اندیشه‌ای به هیجان آمده باشد؛ بلکه در حقیقت، تبلور ویژگی های نژادی و تجلی احوال محیط و زبان است» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۴۶۲؛ به نقل از هیپولیت تن)؛ اثری است که در آن «ذهنیت به شکل عینیت» در آمده (سارتر، بی تا: ۵۷)؛ کلماتی است، دست بالا و متعالی که با کلام کوچه و بازار تفاوت دارد. چنین آثاری نیز به سبب انسان شمولی خود، طیف وسیعی از آثار را در بر می گیرند و این امر دسته بندی آن ها را ضروری می سازد. دسته بندی آثار ادبی یا انواع ادبی.

انواع ادبی (Literary Kinds) یکی از شعبه های مباحث نظریه ادبی (Theory of Literature) (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۹) و کار آن طبقه بندی آثار ادبی بر اساس نوع (Genre) آن آثار (شمیسا، ۱۳۸۰: ۳۶۰) است؛ این طبقه بندی هم ناظر به صورت است و ظاهر، و هم معنا و محتوا.

نخستین کسی که در باره انواع ادبی و طبقه بندی آن ها تحقیق دقیقی کرده است ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق م) است در کتاب «فن شعر» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۶۹). او نخستین کسی بود که به طور علمی به این امر پرداخت. او در کتاب فن شعر خود نوع های ادبی را بر اساس آن چه از آثار پیش از خود در دست داشت به دو دسته: حماسی و نمایشی تقسیم کرد که نوع نمایشی خود دارای دو گونه تراژدی و کمدی است.

پیروان بعدی ارسطو نوع سومی؛ یعنی نوع غنایی را نیز به آن افزودند. گوته در تعلیقات دیوان شرقی- غربی خود می‌گوید: «شعر بیش از سه نوع نیست: آن که با وضوح و روشنی داستان را بیان می‌کند، آن که از شور و هیجان منع می‌گیرد و آن که کار فردی و شخصی را تجسم می‌دهد و این‌ها عبارتند از حماسی، غنایی و درام (همان: ۷۰).

طبقه‌بندی آثار ادبی در ایران اگر چه بیش تر ناظر به صورت آن بوده که آن هم ضروری است؛ اما به معنی و مفهوم نیز توجه شده است و از آن با عنوان «اغراض شعری» یاد کرده‌اند؛ این اغراض در ادب فارسی، بسیار متنوع و گونه‌گون اند که استادان معاصر در کتاب‌های مربوط، به طور مبسوط به آن‌ها پرداخته‌اند.^۱

از میان انواع اصلی ادبی، حماسه به سبب گستردگی و وسعت معنا و ظاهر، در درون خود انواع متفاوت دیگری را در بر دارد که تاکنون به طور مستقل، مورد بررسی قرار نگرفته است. آن چه در این مقاله آمده، یافته‌های آماری مربوط به انواع ادبی در حماسه‌های ملی ایران است که مدخلی است، برای تحقیقات بیشتر در این باره.

۲- حماسه

حماسه (Epic) در لغت به معنی دلیری و سختی در کار است (جُرّ، ۱۳۸۲: ۸۶۱) و در اصطلاح، شعر بلند روایی است، در باره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخار آمیز در جهان باستانی یک ملت (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱) که می‌تواند اعمال قهرمانی یک فرد یا یک ملت باشد (صفا، ۱۳۷۹: ۴). در حماسه است که ما می‌توانیم تصویر ایجاد تمدن یک ملت را مشاهده کنیم (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۰۰)؛ این وسعت و عظمت موضوعات درون حماسه است که وجود انواع گونه‌گون ادبی را در آن ناگزیر می‌سازد.

برای حماسه‌های ایرانی انواعی برشمرده‌اند: از نظر منشاء، حماسه‌های ایرانی به دو دسته حماسه‌های طبیعی و حماسه‌های مصنوعی تقسیم می‌شوند (صفا، ۱۳۷۹: ۲۵). حماسه‌های طبیعی یا ملی، حماسه‌هایی هستند که مؤلف مشخصی ندارند و تمام یک ملت در تمام نسل‌ها آن‌ها را ساخته و گرد آورده‌اند (شفیعی، ۱۳۵۲: ۱۰۸) تا این که در برهه‌ای از زمان و با پیدایش جمیع شرایط اجتماعی و سیاسی و فردی، شاعری به نظم آن همت می‌گمارد. در طبقه‌بندی موضوعی نیز حماسه‌های ایرانی به چهار دسته: اساطیری و پهلوانی، تاریخی، دینی و عرفانی تقسیم شده‌اند.

حماسه‌های ملی ایران عبارتند از: شاهنامه حکیم فردوسی (ق ۴ و اوایل ۵)، گرشاسپ نامه علی بن احمد اسدی طوسی (ق ۵)، برزنامه خواجه عمید عطاء بن یعقوب معروف به عطایی رازی (ق ۵)، فرامرنامه

از شاعری نامعلوم (ق ۵)، بانو گشسپ نامه از شاعری ناشناس (ق ۵)، شهریارنامه سراج الدین عثمان بن محمد مختاری غزنوی (ق ۶)، بهمن نامه ایرانشاه بن ابی الخیر (ق ۵ و ۶)، کوش نامه ایرانشاه بن ابی الخیر (ق ۵ و ۶)، کک کوهزاد از سراینده‌ای ناشناس (ق ۶) و جهانگیرنامه قاسم مادح (ق ۶ یا ۷).

۳- انواع ادبی در حماسه های ملی ایران

۳-۱- گفتگو

بخش عمده ای از منظومه های حماسی را گفتگوی مستقیم بین افراد داستان تشکیل می دهد (۲۸/۳۲٪ تا ۵۶/۶۵٪) اگر نامه ها، حدیث نفس و تک گویی های درونی را نیز به آن بیفزاییم، آن گاه گزافه نخواهد بود، اگر منظومه های حماسی را مجموعه ای به هم پیوسته از گفتار بدانیم؛ عرصه ای برای جولان سخن قهرمانان. گفتگوها در حماسه اگر چه غالباً سبک و سیاقی یکسان دارد و کمتر تفاوت افراد، در نوع سخنشان تفاوت ایجاد می کند (مثلاً شاه یا جهان پهلوان تقریباً همان ونه سخن می گوید که سربازی ساده) اما تناسب تفاوت محتوای گفتار با تفاوت مخاطب، بسیار قابل توجه و بررسی است. این تفاوت در سخن گفتن بالادست با فرودست، فرودست با بالادست و نیز سخن هم پایگان کاملاً مشهود و قابل تأمل است. گفتگوها گاه نیز بیان دل مشغولی های شاعرند که او، آن ها را از زبان قهرمانان یا افراد داستان خویش بازمی گوید که این امر، موضوعی درخور بررسی و کاوش است و مجال دیگری می طلبد.

گفتگو در حماسه های ملی را می توان به گونه های زیر بخش نمود: گفتگوی یک سویه شامل: یک نفر به یک نفر، یک نفر به یک گروه، گروه به یک نفر و گروه به گروه؛ گفتگوی چند صدایی شامل: یک نفر و یک نفر، یک نفر و گروه، گروه به هم دیگر با گوینده های نامشخص، و چند نفر با یک دیگر. نسبت بیت های گفتگو به بیت های کل، هر یک از آن آثار بدین ترتیب است: شاهنامه: (۴۴/۹۸٪)، گرشاسپ نامه: (۳۱/۵٪)، برزنامه: (۵۶/۶۵٪)، فرامرزنامه: (۴۵/۵۱٪)، بانو گشسپ نامه: (۳۶/۵۳٪)، شهریارنامه: (۲۸/۳۲٪)، بهمن نامه: (۴۰/۹۶٪)، کوش نامه: (۳۹/۲۵٪)، کک کوهزاد: (۴۹/۱۵٪)، و جهانگیرنامه: (۴۲/۳۸٪). نوع گفتگو به صورت مشترک با این انواع آمده است (منظور از به صورت مشترک آن است که برخی بیت ها، در عین حال که نوع مورد بحث هستند، در نوع های زیر نیز قرار می گیرند):

شاهنامه: وصف، فریب، مدح، تغزل، عتاب، پیغام، اسطوره، رؤیا، اعتذار، ستاره شمری، معما، مناظره، هجو، پند، گله، رمانس، وقایع گویی، طعنه، مفاخره، تقاضا، امثال و حکم، افسانه، طردیات، فال، فلسفی، بٹ شکوی، نیایش، مذهبی، مرثیه، حسب حال، داستان نمادین و تمثیلی، سوگند، طنز. گرشاسپ نامه: وصف، افسانه، فریب، اسطوره، وقایع گویی، مفاخره، رؤیا، سوگند، عتاب، طعنه، هجو، پند، ستاره شمری، پیغام، تقاضا، اعتذار، طنز، مدح، امثال و حکم، تعلیمی، فریب، فلسفی. برزنامه: وصف، مدح، مفاخره، وقایع گویی، پند، عتاب، هجو، اسطوره، نیایش، امثال و حکم، پیغام، تک گویی درونی، حدیث نفس، سوگند، فریب، فلسفی. فرامرزنامه: اسطوره، افسانه، تعلیمی، مناظره، عتاب، اعتذار، مدح، وصف، مفاخره، هجو، مذهبی، پند، پیغام، ستاره شمری.

بانوگشپ نامه: رمانس، وصف، افسانه، اسطوره، پند، فریب، گله، مفاخره، مدح، اعتذار، پیغام، داستان نمادین و تمثیلی، سوگند، عتاب.

شهریارنامه: اسطوره، مدح، هجو، مفاخره، وقایع گویی، پیغام، امثال و حکم. بهمن نامه: پیغام، فریب، افسانه - اسطوره، ستاره شمری، وقایع گویی، داستان نمادین و تمثیلی، وصف، عتاب، هجو، مدح، اعتذار، مفاخره، رؤیا، گله، نیایش، امثال و حکم، پند، تغزل، تقاضا، حدیث نفس، سوگند، طنز، فال.

کوش نامه: فریب، اسطوره، مدح، هجو، افسانه، پند، رؤیا، گله، تعلیمی، ستاره شمری، وقایع گویی، بٹ شکوی، تقاضا، وصف، سوگند، پیغام، طعنه، عتاب، تک گویی درونی، مفاخره، نیایش، مذهبی، مرثیه، اعتذار، امثال و حکم، داستان نمادین و تمثیلی، فال.

کک کوهزاد: رؤیا، اعتذار، مدح، مفاخره، وصف، نیایش، هجو، حسب حال، سوگند، عتاب. جهانگیرنامه: اسطوره، مدح، وصف، افسانه، فریب، رؤیا، پیغام، اعتذار، مفاخره، پند، وقایع گویی، نیایش، هجو، مذهبی، امثال و حکم، تغزل، تقاضا، ستاره شمری، سوگند، طعنه، عتاب، فریب.

۲-۳- وصف

وصف را می توان تعریف یک ویژگی برجسته از فرد یا شیء دانست (هوارد، ۱۳۸۴: ۱۰۵)، و صف «نقاشی و تابلوسازی» است (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۶) به یاری واژگان. وصف از موضوعات و اغراض مهم

شعری است. بخشی از این اهمیت به سبب آن است که وصف « با روح و طبع و ذوق و ابتکار شخصی شاعر ارتباط دارد (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۷) یعنی خواننده یا شنونده از چگونگی بیان توصیف یک پدیده می‌تواند، علائق و دل مشغولی شاعر را دریابد. وصف‌ها در حماسه‌ها غالباً زنده و شفاف‌اند؛ و این شاید از ضروریات یک اثر حماسی باشد. آنچه یک اثر حماسی را در نگاه نخست از یک اثر غنایی متمایز می‌سازد، تمایز و تفاوت آن‌ها در وصف است. این امر در آثاری که بار حماسی قوی‌تری دارند (مانند شاهنامه) نسبت به آثاری که بار حماسی آن‌ها تحت‌الشعاع تصویر آفرینی غنایی قرار گرفته (مانند گرشاسپ‌نامه) کاملاً مشهود است.

وصف‌های حماسه به طور عمده شامل: وصف سپاه، نبرد، افراد، موجودات، مکان‌ها، خواسته‌ها و سوگواری است. علاوه بر این موارد، توصیفات معدود و محدود از دیگر پدیده‌ها نیز دیده می‌شود. گاهی نیز وصفی در میانه وصفی دیگر آمده است، مثلاً در میانه وصف نبرد، پهلوانی نیز وصف شده است. نسبت بیت‌های «وصف» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱۰/۳۲)، گرشاسپ‌نامه: (۲۳/۳۱)، برزنامه: (۸/۳۷)، فرامرنامه: (۱۳/۷۳)، بانوگشسپ‌نامه: (۲۵)، شهریارنامه: (۱۷/۸۳)، بهمن‌نامه: (۹/۷۳)، کوش‌نامه: (۷/۴۲)، کک‌کوهزاد: (۸/۴۵) و جهاگیرنامه: (۱۲/۳۷).

نوع وصف به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، گفتگو، مذهبی، فلسفی، نامه، ساختمان و ایوان، وصف، افسانه، تغزل، وقایع نویسی، فریب، پیغام، طردیات، رمانس، تک‌نگاری، هجو، امثال و حکم، تک‌گویی درونی، حدیث نفس، ستاره شماری، سوگند، طعنه، طنز، عتاب، مرثیه، مفاخره، نیایش.

گرشاسپ‌نامه: وصف، گفتگو، افسانه، اسطوره، فصول و ماه‌ها، ساختمان و ایوان، نامه،

فال، امثال و حکم، پند، تک‌گویی درونی، طعنه، طنز، عتاب، مفاخره.

برزنامه: گفتگو، مدح.

فرامرنامه: اسطوره، گفتگو، ساختمان و ایوان، افسانه، وقایع نویسی، نامه، مدح.

بانوگشسپ‌نامه: طردیات، رمانس، گفتگو، فریب، عتاب، مفاخره، نیایش.

شهریارنامه: نامه، اسطوره.

بهمن‌نامه: گفتگو، افسانه، اسطوره، وقایع نویسی، فریب، عتاب.

کوش نامه: مدح، گفتگو، فصول و ماه‌ها، فریب، وقایع نویسی، اسطوره، ساختمان و ایوان، طعنه.

کک کوهزاد: گفتگو، رؤیا.

جهانگیرنامه: اسطوره، گفتگو، پیغام، فریب، هجو، افسانه، حدیث نفس.

۳-۳- نامه

نامه در حماسه‌های ملی جایگاه در خور و کارکرد مهمی دارد. بین (۰/۸۰٪ تا ۷/۱۴٪) بیت‌های آثار حماسی را نامه‌ها تشکیل می‌دهد؛ اگر «پیغام»‌ها را که در حقیقت نامه‌هایی نانوشته هستند، به این آمار بیفزاییم، اهمیت این نوع در پیشبرد داستان حماسی، بیشتر و بهتر آشکار می‌شود. کثرت و تنوع نامه‌ها در متون حماسی، از دیدگاه جامعه‌شناسی بسیار قابل توجه است؛ به عنوان مثال در هیچ یک از آثار حماسی، هرگز سخنی از احتمال نرسیدن نامه به مقصد نیست که می‌تواند نشان از سازماندهی منظم انتقال نامه در نزد ایرانیان است.

عمده‌نامه‌های حماسه‌ها بدین قرار است: فتح‌نامه، منشور، گزارش، درخواست، فرمان، تهدید، تهنیت، انواع پیمان‌ها و نامه‌های چندنوعی (ترکیبی)؛ علاوه بر اینها، نامه‌های دیگری در نوع، متعدد و در تعداد، محدود نیز در حماسه‌ها دیده می‌شود (در آمار محاسبه شده‌اند).

نامه‌ها غالباً، دارای این ساختار هستند (بویژه نامه‌هایی که افراد مثبت می‌نویسند): نیایش آغازین، مدح، بیان موضوع اصلی، مدح پایانی و گاه دعا. نسبت بیت‌های «نامه» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۵/۸۹٪)، گرشاسپ نامه: (۳/۷۲٪)، برزنامه: (۰/۸۰٪)، فرامرزنامه: (۸/۳۳٪)، بانوگشسپ نامه: (۱/۸۴٪)، شهریارنامه: (۸/۱۰٪)، بهمن نامه: (۶/۶۸٪)، کوش نامه: (۷/۱۴٪)، و جهانگیرنامه: (۱/۱۴٪).

نوع «نامه» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، مفاخره، عتاب، گفتگو، وصف، فریب، وقایع نویسی، افسانه، پند، رمانس، فال، معما، مذهبی، نیایش، هجو، امثال و حکم، تغزل، تقاضا، رؤیا، طعنه، فلسفی، گله، مدح.

گرشاسپ نامه: اسطوره، نیایش، وقایع نویسی، وصف، امثال و حکم، پند، تقاضا، مدح، مفاخره.

برزنامه: نیایش، مدح، مفاخره.

فرامرزنامه: اسطوره، نیایش، وقایع نویسی، وصف، پند، تقاضا، مفاخره.

بانوگشسپ نامه: نیایش، مدح، مفاخره.

شهریار نامه: اسطوره، گفتگو، وصف، مدح، مفاخره.

بهمن نامه: پند، فریب، اسطوره، اعتذار، افسانه، نیایش، وقایع نویسی، هجو، امثال و حکم، تعلیمی، تغزل، تقاضا، عتاب، مدح، مفاخره.

کوش نامه: وقایع نویسی، گفتگو، فریب، افسانه، مدح، نیایش، هجو، امثال و حکم، پند، تقاضا، سوگند، عتاب، مفاخره.

جهانگیر نامه: نیایش، وقایع نویسی، وصف، تغزل، تقاضا، طنز، مدح، مذهبی، مفاخره.

۴-۳- پیغام

پیغام ها، نامه هایی نانوشته هستند که گاه تمام ویژگی های نامه را دارا هستند؛ اما غالباً دارای این تفاوت ها هستند: اکثراً کوتاه ترند؛ غالباً نیایش آغازین را ندارند؛ معمولاً فاقد مدح مخاطب هستند. عمده پیغام های حماسه ها از این گونه اند: فرمان، شکایت، تهدید، اعتذار، دعوت، عتاب، گزارش، نوید، درخواست، پیمان و نامه های چند نوعی (ترکیبی)؛ علاوه بر این نوع پیغام ها، پیغام های دیگری نیز هستند که در نوع متنوع و در تعداد اندک اند (در آمار محاسبه شده اند). نسبت بیت های «پیغام» به کل بیت ها، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۳/۴۷٪)، گرشاسپ نامه: (۱/۴۰٪)، برزو نامه: (۱/۰۳٪)، فرامرزنامه: (۰/۱۸٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۵۸٪)، بهمین نامه: (۱/۹۸٪)، کوش نامه: (۴/۱۸٪)، و جهانگیر نامه: (۱/۲۷٪).

نوع «پیغام» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، عتاب، اعتذار، بٹ شکوی، اسطوره، فریب، وصف، مدح، افسانه، معما، پند، تقاضا، هجو، طنز، گله، مفاخره، وقایع نویسی.

گرشاسپ نامه: گفتگو، اسطوره، تقاضا، سوگند، مدح، وقایع نویسی.

برزونا نامه: گفتگو، مدح وقایع نویسی.

فرامرزنامه: گفتگو، اسطوره، مدح، وقایع نویسی.

بانوگشسپ نامه: گفتگو، رمانس.

بهمین نامه: گفتگو، فریب، طنز، افسانه، غنایی، تقاضا، عتاب، هجو، مدح، وقایع نویسی، اعتذار.

کوش نامه: وقایع نویسی، گفتگو، فریب، تقاضا، هجو، سوگند.

جهانگیرنامه: تغزل، گفتگو، تقاضا، هجو.

۵-۳- اسطوره

اسطوره در واژه به معنی سخن پریشان و بیهوده است (دهخدا: ذیل اسطوره)؛ و در اصطلاح، روایاتی است معمولاً مقدس، در باره خدایان، موجوداتی فوق بشری و وقایع شگفت آوری که در زمان‌های آغازین، با کیفیاتی متفاوت با کیفیات زمان ما، رخ داده و به خلق جهان و اداره آن انجامیده است (بهار، ۱۳۷۸: ۳۷۱).

اسطوره‌های آمده در حماسه‌های ملی را می‌توان به هشت نوع کلی به قرار زیر بخش نمود:

۱- اشخاص اساطیری، مانند: کیومرث، سیامک، جمشید... ۲، ایزدان، مانند: سروش، اسرافیل،... ۳، موجودات ماوراء طبیعی، مانند: دیو، پری،... ۴، کشف‌ها و اختراعات اولیه، مانند: آتش، آهن،... ۵، بنیاد جشن‌ها، مانند: نوروز، سده،... ۶، ایجاد طبقات اجتماعی. ۷، باورهای کهن، مانند: جادو، طلسم،... ۸، اعمال اساطیری، مانند: هفت خوان‌ها، پرواز به آسمان، رویین تنی، جاودانه خواهی،... از برخی اساطیر مهم مانند: آفرینش، بهشت گمشده و هبوط انسان، در حماسه‌های ملی به طور مستقیم سخنی نرفته است. شاهنامه تا مرگ رستم، و تمام دیگر آثار حماسی ملی در جهان اساطیری گزارش شده‌اند.

۶-۳- اعتذار

اعتذار در لغت به معنی عذر خواستن و عذر و پوزش و معذرت آمده (دهخدا: ذیل اعتذار) و در اصطلاح به شعری گفته می‌شود که شاعر از ممدوح، پس از قرار گرفتن در معرض عتاب و زندان یا قطع الطاف، عذر می‌خواهد و طلب بخشش می‌کند (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۳۰۰). در این بررسی، اعتذار به بیت‌هایی اطلاق شده که در آن فردی یا افرادی از داستان، از دیگری طلب بخشش نموده است. نسبت بیت‌های «اعتذار» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است:

شاهنامه: ۰/۳۴٪، گرشاسپ نامه: (۰/۱۳٪)، فرامرزنامه: (۰/۸۱٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۹۰٪)، بهمن نامه: (۰/۵۸٪)، کوش نامه: (۰/۱۲٪)، کک کوهزاد: (۰/۴۲٪)، جهانگیرنامه: (۰/۰۶٪).

نوع «اعتذار» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، اسطوره، فریب، وقایع نویسی، فلسفی، نامه.

گرشاسپ نامه: اسطوره، گفتگو.
فرامرزننامه: گفتگو، مدح.
بانوگشسپ نامه: گفتگو، رمانس.
بهمن نامه: گفتگو، پند، نامه.
کوش نامه: گفتگو، فریب.
کک کوهزاد و جهانگیرنامه: گفتگو.

۳-۷- افسانه

افسانه در فرهنگ ها به معنی سرگذشت و حکایات گذشتگان، قصه، داستان، تمثیل و سخن ناراست و دروغ آمده است (دهخدا: ذیل افسانه). افسانه در این بررسی به آن دسته از پدیده ها و وقایع اطلاق گردیده که باور مردم کهن بوده؛ اما برای آن منشاء و پایه ای در واقعیت یافت نمی شود (برخلاف اسطوره که اساس آن ها بر واقعیت یا آن چه واقعیت می پنداشته اند، استوار بوده است). افسانه در حماسه های ملی را می توان در چهار دسته جای داد:

۱- موجودات افسانه ای مانند: اژدها، نسناس،... ۲- اتفاقات و حوادث مانند: آمدن صدا از طاق ایوان، دیدن مرده با سر گراز،... ۳- مردمان افسانه ای مانند: سکساران، دوال پایان،... ۴- داستان های افسانه ای مانند: شهر کرم هفتواد، شهر هروم،...

نسبت بیت های «افسانه» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۲/۵۵)، گرشاسپ نامه: (۶/۸۲)، فرامرزننامه: (۸/۵۲)، بهمین نامه: (۱/۵۱)، کوش نامه: (۱/۱۴)، جهانگیرنامه: (۱/۱۰).

۳-۸- امثال و حکم

امثال در فرهنگ ها جمع «مثل» و به معنی مانندها و قول سایر و مشهوری آمده که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند؛ و حکم جمع حکمت، به معنی دانایی، علم، فرزادگی، اندرز،... آمده است (دهخدا: ذیل امثال، حکم)؛ اما تعریف جامع و مانعی از «امثال و حکم» بسیار دشوار می نماید؛ در بیان دشواری آن همین بس که استاد مرحوم علامه علی اکبر دهخدا از آوردن تعریفی برای آن، در مقدمه کتاب سترگ خود، امثال و حکم، خودداری کرده است. نگاهی اجمالی به درصد امثال و

حکم‌ها در حماسه‌های ملی در بدو امر، کم بودن و به تبع آن کم اهمیت بودن آن را به ذهن متبادر می‌کند؛ اما اگر توجه داشته باشیم که امثال و حکم‌ها غالباً تک بیت‌اند آن‌گاه دریافته خواهد شد که همین درصد کم نیز نشان از تعدد کارکرد این نوع ادبی در حماسه‌های ملی ایران دارد؛ و این نمودی از توجه ایرانیان به استعمال امثال و حکم در گفتار است.

امثال و حکم در حماسه‌ها، به دو زیر نوع بخش شده‌اند: امثال و حکمی که شاعر در لابلای داستان بیان کرده، و آن چه که بر زبان یا قلم افراد درون داستان جاری شده است. نسبت بیت‌های «امثال و حکم» به بیت‌های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۴۵)، گرشاسپ نامه: (۰/۴۷)، برزوانه: (۰/۸۹)، بانوگشسپ نامه: (۰/۲۹)، شهریارنامه: (۰/۴۳)، بهمن نامه: (۰/۵۰)، کوش نامه: (۰/۱۰)، جهانگیرنامه: (۰/۰۳).

نوع «امثال و حکم» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، تک‌گویی درونی، فلسفی، تعلیمی، نامه، اعتذار، گفتگو، عتاب، پند، وصف، رمانس، گله، فریب، مفاخره.

گرشاسپ نامه: گفتگو، نامه، تک‌گویی درونی، عتاب، فریب، اسطوره، وصف.

برزوانه: هجو، گفتگو.

بانوگشسپ نامه: رمانس.

شهریارنامه: گفتگو، اسطوره.

بهمن نامه: گفتگو، عتاب، نامه، طنز، وصف، فریب، اسطوره.

کوش نامه: پند، گفتگو، نامه.

جهانگیرنامه: گفتگو، افسانه، فریب.

۹-۳- بٹ شکوی

بٹ شکوی به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال ناملایمات و محرومیت‌های وارده بسراید و حکایت از رنج و اندوه و تیره‌روزی و بدبختی گوینده باشد (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۸۸). در این بررسی، بٹ شکوی علاوه بر بیان شاعر، بیان اندوه و تیره‌روزی افراد درون داستان را نیز شامل شده است. بٹ شکوای حماسه‌های ملی به دو زیر نوع بخش شده‌اند: بٹ شکوی‌های شاعر (این دسته غالباً شکوه از دنیا و روزگار است و گاه رنگ حکمی به خود می‌گیرد)، بٹ شکوای افراد درون داستان.

نسبت بیت های «بث شکوی» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۰)، فرامرزنامه: (۰/۹۴)، کوش نامه: (۰/۹)، کک کوهزاد: (۰/۱۴۰). نوع «بث شکوی» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است: شاهنامه: نامه، گفتگو، حدیث نفس، حسب حال، مرثیه، پیغام، گله، سوگند، مدح. فرامرزنامه: حسب حال. کوش نامه: گفتگو، تقاضا، مدح. ۱۰-۳- پند

پند و پند گویی در میان ایرانیان بسیار رواج داشته و دارد. تعداد قابل توجه پندنامه هایی که از پیش و پس از اسلام در ادب فارسی باقی مانده، گواه خوبی بر این مدعاست. در حماسه های ملی نیز، تقریباً هیچ یک از داستان ها خالی از پند و اندرز نیست. پندهای حماسه های ملی به دو زیر نوع بخش شده اند: پندهای بیان شده از سوی شاعر، پندهایی که از زبان یا قلم افراد درون داستان روایت شده است.

نسبت بیت های «پند» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۴۰۱)، گرشاسپ نامه: (۰/۸۸۲)، برزنامه: (۰/۲۱)، فرامرزنامه: (۰/۳۱)، بانوگشسپ نامه: (۰/۲۹۰)، بهمن نامه: (۰/۴۰۸)، کوش نامه: (۰/۲۰۲)، کک کوهزاد: (۰/۱۴۰)، جهانگیرنامه: (۰/۵۴). نوع «پند» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است: شاهنامه: گفتگو، اسطوره، وصف، مذهبی، نامه، ستاره شماری، نیایش، فلسفی، امثال و حکم. گرشاسپ نامه: تعلیمی، گفتگو، افسانه، اسطوره، وصف، تقاضا، نامه، مدح، امثال و حکم. برزنامه: گفتگو. فرامرزنامه: گفتگو، نامه. بانوگشسپ نامه: گفتگو، رمانس. بهمن نامه: گفتگو، نامه، اعتذار، فریب، وقایع نویسی، فلسفی، افسانه، داستان نمادین و تمثیلی، مذهبی.

کوش نامه: وقایع نویسی، گفتگو، تک گویی درونی، نامه، فریب، مذهبی، مدح، مفاخره، امثال و

حکم.

جهانگیر نامه: مذهبی، گفتگو، اسطوره.

۱۱-۳- تاریخ

تاریخ را در حماسه‌های ملی ایران، اگر به معنی خاص آن؛ یعنی « گزارش راستین وقایع ایام و بازشناسی علل و اسباب واقعی این وقایع، و توجیه آن‌ها به سان ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در چارچوب قانون علیت بگیریم» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۷۲)، از چنین تاریخی در هیچ یک از آثار حماسی ملی نشانی نمی‌توان یافت؛ اما اگر تاریخ را به معنی سنتی آن و «در مفهوم مشتق اخبار کز و راست درباره شخصیت‌های واقعی و غیر اساطیری» (همان) بگیریم، نوع تاریخ را در میان حماسه‌های ملی، در شاهنامه و کوش نامه می‌توان دید: شاهنامه از ابتدای پادشاهی اردشیر دراز دست (بهمن اسفندیار) تا پایان: (۴۷/۳۱) کل اثر؛ کوش نامه: اشاره به پادشاهی افریقس، دقینوس، بلاطس، ایطیلناس و اسکندر: (۴/۶۵) کل اثر.

۱۲-۳- تراژدی

اگر چه تراژدی به معنای خاص غربی که یکی از انواع ادب نمایشی است، در حماسه‌ها دیده نمی‌شود؛ اما در شاهنامه چهار داستان غم‌انگیز آمده که هر یک از آن‌ها را می‌توان نمونه تراژدی محسوب کرد. «در این داستان‌ها انقلاب حال قهرمان تا بدان جاست که خواننده و شنونده را دستخوش اندوهی دراز و دیرپای می‌کند و گاه گاه اشک او را در می‌آورد (رستگار فسایی، انواع شعر فارسی، ۱۳۸۰: ۱۴۳). این چهار داستان عبارتند از: داستان‌های: رستم و سهراب، سیاوش، فرود سیاوش، و رستم و اسفندیار. این چهار داستان، (۱۲/۲۹) بیت‌های شاهنامه راتشکیل می‌دهند.

۱۳-۳- تعلیمی

تعلیمی به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود «که برای تشریح شاخه‌ای از دانش یا حتی برای بیان یک نظریه یا مضمون اخلاقی، مذهبی یا فلسفی» سروده شده است (هوارد، ۱۳۸۴: ۸۳). در این بررسی «تعلیمی» به آن بخش از ابیات حماسه‌های ملی اطلاق شده که در آن‌ها موضوعی آموخته می‌شود و غالباً، از زبان افراد درون داستان نقل می‌گردد. علاوه بر آن چه به طور خاص در این بخش آمده، انواع: پند، فلسفی، مذهبی و مناظرات نیز در زیر مجموعه نوع تعلیمی قرار دارند.

نسبت بیت های «تعلیمی» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۹۸٪)، گرشاسپ نامه: (۶/۹۴٪)، فرامرزنامه: (۱۱/۳۴٪)، بهمن نامه: (۰/۰۲٪)، کوش نامه: (۲/۵۱٪).

نوع «تعلیمی» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:
شاهنامه و گرشاسپ نامه: گفتگو، اسطوره.
فرامرزنامه و کوش نامه: گفتگو.
بهمن نامه: نامه.

۱۴-۳- تغزل

غزل در اصل لغت، حدیث زنان و صفت عشق بازی با ایشان و تهالک در دوستی ایشان است (شمس قیس، ۱۳۷۳:۳۵۸). در حماسه ها، با همه خشونت که دارند، «آثار عشقی و افکار غنایی بسیار دیده می شود» (صفا، ۱۳۷۹:۲۴۴)؛ به عنوان مثال، شاهنامه اگر چه با «کین آغاز می شود و با کین پایان می پذیرد؛ اما در میانه با مهر نیز آمیزش و آویزشی دل انگیز دارد (سرامی، ۱۳۷۸:۵۰۸). آن چه در این بخش تحت نوع تغزل آمده، داستان دل دادگی ها را شامل نمی شود؛ داستان های عاشقانه در نوع «رمانس» دسته بندی شده است. نسبت بیت های «تغزل» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۱۷٪)، بهمن نامه: (۰/۶۹٪)، جهانگیر نامه: (۰/۶۰٪).

نوع «تغزل» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:
شاهنامه: گفتگو، نامه، رمانس.
بهمن نامه: گفتگو، نامه، رمانس.
جهانگیر نامه: گفتگو، رمانس.

۱۵-۳- تقاضا

تقاضا در اصطلاح ادبی به اشعاری گفته می شود که در آن، شاعر چیزی را از ممدوح طلب کند (مؤتمن، ۱۳۶۴:۳۷)؛ اما در این بررسی تقاضا به هر نوع طلب چیز، چه از سوی شاعر و چه از سوی یکی از افراد داستان از فرد دیگر، اطلاق شده است. نسبت بیت های «تقاضا» به بیت های کل، در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۸۰٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۹٪)، فرامرزنامه:

جهانگیرنامه: (۰/۴۸/). بانوگشسپ نامه: (۰/۱/۸۴)، شهریارنامه: (۰/۰/۴۵)، بهمن نامه: (۰/۲/۵۱)، کوش نامه: (۰/۱/۱۳)،

نوع «تقاضا» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، افسانه، اسطوره.

گرشاسپ نامه: نامه، اسطوره، گفتگو.

فرامرزنانه و بانوگشسپ نامه: نامه.

شهریارنامه: مدح.

بهمن نامه: گفتگو، نامه، اسطوره، افسانه.

کوش نامه: نامه، فریب، وقایع نویسی، گفتگو.

جهانگیرنامه: نامه، گفتگو، تغزل.

۱۶-۳- تک گویی درونی

تک گویی درونی گفتگویی است که در ذهن افراد داستان جریان دارد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۶۷) بدون آن که بر زبان بیاید اگر بر زبان بیاید آن را حدیث نفس می‌نامند و خواننده با بیان آن از سوی خالق اثر، از آن چه در ذهن شخصیت داستان می‌گذرد، مطلع می‌شود. نسبت بیت های «تک گویی درونی» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۰/۷۷)، گرشاسپ نامه: (۰/۰/۶۳)، برزونا نامه: (۰/۱/۱۷)، فرامرزنانه: (۰/۰/۱۲)، بانوگشسپ نامه: (۰/۲/۸۱)، شهریارنامه: (۰/۰/۴۳)، بهمن نامه: (۰/۰/۷۴)، کوش نامه: (۰/۰/۴۴)، کک کوهزاد: (۰/۰/۷۰)، جهانگیرنامه: (۰/۰/۲۱).

نوع «تک گویی درونی» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: وصف، گفتگو، رمانس، اسطوره، افسانه، مفاخره، فریب، فلسفی، فال، معما، ستاره شماری، معما، مدح، امثال و حکم.

گرشاسپ نامه: وصف، اسطوره.

برزونا نامه: گفتگو.

بانوگشسپ نامه: وصف، فریب، افسانه، رؤیا، اسطوره.

بهمن نامه: اسطوره، وصف، افسانه، فریب، رؤیا.

کوش نامه: گفتگو، پند، وصف، فریب، اسطوره.

جهانگیر نامه: فریب، وصف، افسانه.

۱۷-۳- حدیث نفس

حدیث نفس آن است که یکی از شخصیت های داستان « افکار و احساسات خود را بر زبان بیاورد تا تماشاچی یا خواننده از نیت و مقاصد او با خبر شود (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۸۲). حدیث نفس اگر چه در بنیاد خود به ادبیات نمایشی اختصاص دارد (مانند تک گویی درونی)؛ ولی در آثار روایی و داستانی نیز کاربرد دارد. بهره گیری وسیع از این شیوه؛ بویژه در بخش هایی که داستان به شیوه جریان سیال ذهن سروده شده است، بخوبی قابل تشخیص است. نسبت بیت های «حدیث نفس» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۵۵٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۴۲٪)، برزنامه: (۰/۱۱٪)، فرامرزنامه: (۰/۱۲٪)، بهمن نامه: (۰/۸۹٪)، کوش نامه: (۰/۴۱٪)، جهانگیر نامه: (۰/۵۹٪).

نوع «حدیث نفس» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، مرثیه، مفاخره، وصف، بٹ شکوی، هجو، افسانه، سوگند.

گرشاسپ نامه: سوگند، مرثیه، هجو.

برزنامه: گفتگو، مرثیه.

فرامرزنامه: اسطوره.

بهمن نامه: تغزل، گفتگو، مرثیه، افسانه، فریب، اسطوره.

کوش نامه: فریب، ستاره شمری، وصف.

جهانگیر نامه: مرثیه، وصف، اسطوره، فریب.

۱۸-۳- حسب حال

حسب حال به به اشعاری گفته می شود که « شعرا در باره اخلاق و روحیات و تأملات روحی و وضع زندگانی و کیفیت معاش و شرح احوال و سوانح و حوادث شخصی و تیمار خواری زن و فرزند و ذکر پیری [...] خود سروده اند» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۵۲). این بررسی علاوه بر حسب حال شاعر، حسب حال هایی را که بر زبان افراد داستان آمده، نیز شامل می شود. نسبت بیت های «حسب حال» به بیت های کل

در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۴٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۷٪)، فرامرزنامه: (۰/۲/۱۳٪)، بهمن نامه: (۰/۲۱٪)، کک کوهزاد: (۰/۱/۴۰٪).

نوع «حسب حال» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، پند، بٹ شکوی، مفاخره.

فرامرزنامه: بٹ شکوی.

کک کوهزاد: بٹ شکوی، گفتگو.

۱۹-۳- داستان نمادین و تمثیلی

داستان های نمادین و تمثیلی داستانهای نسبتاً کوتاهی هستند که در آن شاعر یا نویسنده (و یا شخصیت داستانی روایت کننده) با توجه به نگرش فلسفی خود شخصیت هایی را خلق می کند که جنبه سمبلیک و رمزی دارند و موضوع این داستان ها هم غالباً بیان یک ایده و نگرش اجتماعی، اخلاقی یا عقیدتی است که معمولاً به صورت یک اصل بیان می شود (تمیم داری، ۱۳۷۹: ۲۵۲)؛ تعبیر رؤیا، ستاره شماری، طرح معما و موضوعاتی از این قبیل نیز، در ژرف ساخت خود داستان نمادین هستند که به طور جداگانه به آن ها پرداخته شده است. نسبت بیت های «داستان نمادین و تمثیلی» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۰٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۱/۵۵٪)، بهمن نامه: (۰/۷۰٪)، کوش نامه: (۰/۲۴٪).

نوع داستان نمادین تمثیلی به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: فلسفی، گفتگو.

بانوگشسپ نامه: گفتگو.

بهمن نامه: پند، گفتگو.

کوش نامه: فلسفی، گفتگو.

۲۰-۳- رمانس

در ادبیات غرب رمانس به قصه های عاشقانه با شکوه و ماجراجویانه ای گفته می شود که غالباً با حوادث غیر معقول و ماجراهای عجیب و غریب هم راه است (داد، ۱۳۷۵: ۱۵۰). در این بررسی، رمانس به داستان های عاشقانه ای گفته شده که در خلال حوادث حماسی چهره نموده است. داستان

های عاشقانه « این گونه کتب را رونق و شکوه و جلال خاصی است؛ زیرا در آن ها تناوری و دلاوری پهلوانان و زیبایی و لطافت زنان و عواطف رقیق و دل و بازوی قوی به هم می آمیزد و آز آن میان عظمت عشق به همان درجه از قوت آشکار می شود که طنطنه و شکوه پهلوانی در رزم آزمایی» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۴۴).

داستان های عاشقانه در حماسه های ملی عبارتند از:

شاهنامه: داستان زال و رودابه، رو در رویی سهراب و گردآفرید، داستان بیژن و منیژه، ماجرای اردشیر و گلنار (کنیزک اردوان). این داستان ها (۴/۹۰٪) بیت های شاهنامه را تشکیل می دهند. بهمن نامه: داستان کتایون دختر شاه صور (همسر بهمن) و غلامش به نام لؤلؤ. این داستان (۲۴/۶۷٪) بیت های بهمن نامه را شامل می شود.

بانو گشسپ نامه: ماجرای عشق شیده به بانو گشسپ. این ماجرا (۱۶/۳۷٪) بیت های منظومه را در بر گرفته است.

۲۱-۳- سوگند

سوگند و پایبندی به سوگند در میان ایرانیان کهن، بسیار اهمیت داشته و بسا قهرمانان، چون سیاوش که جان بر سر سوگند و وفاداری به آن می نهند. سوگندها در حماسه غالباً به دادار، به روز و شب، به یزدان که بر پای دارد سپهر، به جنگ و به بزم و به رزم،... است. نسبت بیت های «سوگند» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۵٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۳۲٪)، برزنامه: (۱/۳۶٪)، بانو گشسپ نامه: (۰/۲۹٪)، بهمن نامه: (۰/۳۹٪)، کوش نامه: (۰/۳۳٪)، کک کوهزاد: (۲/۳۹٪)، جهانگیر نامه: (۰/۰۳٪).

نوع «سوگند» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، حدیث نفس، وصف، مرثیه، فریب، بٹ شکوی.

گرشاسپ نامه: نامه، حدیث نفس، مفاخره، گفتگو، افسانه، وصف.

برزنامه: گفتگو، مفاخره، حدیث نفس.

بانو گشسپ نامه: گفتگو، فریب.

بهمن نامه: گفتگو، اسطوره.

کوش نامه: فریب، گفتگو، نامه.

کک کوهزاد: مفاخره، گفتگو.

جهانگیرنامه: گفتگو.

۲۲-۳- عتاب

عتاب در لغت به معنی خشم گرفتن و ملامت کردن آمده (دهخدا: ذیل عتاب)، و در بحث انواع، بیت‌هایی را شامل می‌شود که در آن یکی از شخصیت‌های داستان، شخص دیگری را مورد خشم، سرزنش یا ملامت زبانی قرار می‌دهد. عتاب به سبب ساخت حماسی‌ای که دارد، در این آثار کارکرد بسیار دارد. نکته قابل تأمل در باره عتاب‌های حماسی ملی ایران، عقّت و پاکی زبان است، در هنگام خشم که حتی در عتاب کردن دشمنان نیز از به کار بردن الفاظ رکیک اجتناب می‌شود. این امر؛ بویژه در مقایسه با مفاخرات عربی که رنگ و بویی حماسی دارد، بسیار مشهودتر می‌نماید.

نسبت بیت‌های «عتاب» به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۰۵٪)، گرشاسپ‌نامه: (۱/۲۳٪)، برزنامه: (۱/۲۵٪)، فرامرزنامه: (۰/۳۱٪)، بانوگشسپ‌نامه: (۰/۱۹٪)، بهمن‌نامه: (۱/۲۰٪)، کوش‌نامه: (۰/۶۵٪)، کک کوهزاد: (۳/۶۶٪)، جهانگیرنامه: (۰/۰۴٪).

نوع «عتاب» به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، وصف، اسطوره، مفاخره، فریب، طرديات، هجو، امثال و حکم، پند، طعنه.

گرشاسپ‌نامه: گفتگو، هجو، طعنه، وصف، فریب، اسطوره، مفاخره، امثال و حکم.

برزنامه: گفتگو، هجو، مدح.

فرامرزنامه: گفتگو، هجو.

بانوگشسپ‌نامه: گفتگو، مفاخره، وصف.

بهمن‌نامه: گفتگو، فریب، وصف، وقایع نویسی، پند، نامه، افسانه، هجو، امثال و حکم.

کوش‌نامه: گفتگو، هجو، نامه.

کک کوهزاد: گفتگو، مفاخره.

جهانگیرنامه: گفتگو.

۲۳-۳- غنایی

تمام انواع ادبی یا اغراض شعری که در حماسه ها آمده است، به جز انواع زیر «غنایی» محسوب می شوند: اسطوره، پند، تاریخ، تعلیمی.

۲۴-۳- فریب

نوع «فریب» شامل آن بخش از بیت های داستان حماسی می شود که فریب کس یا کسان، داستان را به پیش می برد. دروغ نیز در این نوع وارد شده است. نسبت بیت های «فریب» به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۴۷/۴)، گرشاسپ نامه: (۸۲/۰)، برزنامه: (۵۱/۰)، بانوگشسپ نامه: (۲۵/۹۶)، شهریار نامه: (۲/۸۱)، بهمن نامه: (۵/۷۶)، کوش نامه: (۵/۸۶)، جهانگیر نامه: (۴/۱۹).

نوع «فریب» به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، وصف، رمانس، اسطوره، نامه، وقایع نویسی، مفاخره، مدح، نیایش، هجو، مذهبی، فلسفی، اعتذار، امثال و حکم، پیغام، تقاضا، تک گویی درونی، ستاره شماری، سوگند، عتاب. گرشاسپ نامه: هجو، گفتگو، امثال و حکم، عتاب. برزنامه: گفتگو.

بانوگشسپ نامه: وصف، طردیات، گفتگو، مفاخره، تک گویی درونی، نیایش، سوگند. شهریار نامه: مفاخره.

بهمن نامه: گفتگو، مدح، وصف، نامه، امثال و حکم، پند، پیغام، عتاب، فال.

کوش نامه: اسطوره، گفتگو، مدح، نیایش، وصف، نامه، اعتذار، پند، پیغام، تقاضا، تک گویی درونی، حدیث نفس، سوگند.

جهانگیر نامه: گفتگو، مفاخره، وقایع نویسی، هجو، وصف، امثال و حکم، یک گویی درونی، حدیث نفس.

۲۵-۳- فلسفی

نوع «فلسفی» آن دسته از بیت هایی را شامل می شود که در باره مسائل مبهم و حل ناشدنی جهان سخن می گوید؛ مسایلی که تأمل دقیق و بازجویانه برای حل آن ها ضروری است (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۰۷)؛ مسائلی از قبیل: وحدت وجود، جبر و اختیار، توکل، تسلیم، مرگ و زندگی، آفرینش و راز وجود، عدم،... (رستگار فسایی، انواع شعر فارسی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

نسبت بیت های فلسفی به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۵۱٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۱٪)، برزنامه: (۰/۰۸٪)، بهمن نامه: (۰/۱۴٪)، کوش نامه: (۰/۵۰٪)، جهانگیر نامه: (۰/۰۱٪).

نوع فلسفی به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: پند، گفتگو، امثال و حکم، نامه، اعتذار، معما، مناظره، وصف، اسطوره، فریب، گله، داستان نمادین و تمثیلی.

برزنامه و بهمن نامه: گفتگو.

کوش نامه: داستان نمادین و تمثیلی.

۲۶-۳- مدح

شعر مدحی اغراق شاعرانه است در توصیف کسی که تمجید او مطلوب گوینده است (زرین کوب ۱۳۷۹: ۱۴۵). مدح در آثار حماسی ملی، برخلاف مدح در آثار غنایی فارسی، همواره مدح‌هایی موجّه و به دور از غلوهای ناممکن است. این امر؛ بویژه از این جهت قابل تأمل است که انتظار می‌رود در حماسه، مدح‌ها نیز به سبب بزرگی موضوع، بزرگ و همراه با غلو بسیار باشند، در حالی که غالباً چنین نیست. تفاوت مدح‌هایی که از زبان افراد درون داستان روایت می‌شود با مدح‌هایی که شاعر از سلطان یا دیگران می‌کند، از موضوعات قابل توجه و بررسی است.

مدح در حماسه ها دارای دو زیر نوع است: مدح های شاعر و مدح های شخصیت های داستان از یک دیگر. نسبت بیت های مدح به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۷۹٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۲۰۸٪)، برزنامه: (۰/۱۷۱٪)، فرامرزنامه: (۰/۴۱۳٪)، بانو گشسپ نامه: (۰/۱۴۵٪)، شهریار نامه: (۰/۲۷۰٪)، بهمن نامه: (۰/۱۹۲٪)، کوش نامه: (۰/۲۸۸٪)، کک کوهزاد: (۰/۷۰۴٪)، جهانگیر نامه: (۰/۲۴۵٪).

نوع مدح به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، پیغام، اسطوره، تغزل، وقایع نویسی، فریب، اعتذار، افسانه، گله، پند، حدیث نفس، عتاب، تک گویی درونی، طردیات، مناظره، فال، معما، بث شکوی، مفاخره، نیایش، هجو.

گرشاسپ نامه: مذهبی، گفتگو، نامه، اسطوره، تقاضا، عتاب، پیغام، پند.

برزنامه: گفتگو، عتاب، وصف، پیغام.

فرامرزنامه: نامه، گفتگو، اسطوره، اعتذار، مدح.

بانوگشسپ نامه: نامه، گفتگو.

شهریارنامه: اسطوره، گفتگو، نامه.

بهمن نامه: وقایع نویسی، گفتگو، نامه، فریب، پیغام، افسانه، اسطوره، نیایش.

کوش نامه: مذهبی، وصف، گفتگو، فریب، نامه، پیغام، وقایع نویسی، پند، تقاضا، بث شکوی، فال، نیایش.

کک کوهزاد: گفتگو.

جهانگیرنامه: گفتگو، اسطوره، مذهبی، پیغام، وصف، فریب.

۲۷-۳- مذهبی

شعر مذهبی شامل سروده هایی است که محتوای آن ها را موضوعات دینی تشکیل می دهد (رزمجو، ۱۳۸۲: ۱۰۲). فرای شعر مذهبی را حد فراتر ادبیات می نامد و آن را نقطه ای می داند که بینش خیالی جهان جاودانه، عین واقعیت می شود (فرای، ۱۳۷۷: ۶۲). شعر مذهبی در حماسه ها به دو زیر نوع بخش می شود: آن چه شاعر از سوی خود بیان می کند و آن چه بر زبان شخصیت های داستان جاری می سازد. نسبت بیت های مذهبی به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۲۰٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۴۶٪)، فرامرزنامه: (۰/۴۳٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۰۹٪)، بهمین نامه: (۰/۰۹٪)، کوش نامه: (۰/۲۴٪)، جهانگیرنامه: (۰/۹۲٪).

نوع مذهبی به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، پند، تعلیمی، مناظره، فریب، پیغام، نامه، اسطوره، وصف.

گرشاسپ نامه: تعلیمی، مدح، اسطوره.

فرامرزنامه: گفتگو، افسانه.

بهمین نامه: پند.

کوش نامه: مدح، پند، گفتگو.

جهانگیرنامه: پند، گفتگو، اسطوره، پیغام، وصف، افسانه.

۲۸-۳- مرثیه

مرثیه ذکر محامد و اوصاف مرده و ستایش او و نوحه سرایی در عزای مرده را گویند (دهخدا: ذیل مرثیه). مرثیه‌ها در آثار حماسی ملی از این جهت نیز قابل تأمل و بررسی هستند که می‌توانند، نمودی از مراثی کهن ایرانی و یادگاری از برخی عزاداری‌های آیینی ایرانی، مانند سوگ سیاوش یا مغ کشان باشد.

مرثیه‌های حماسه‌ها به دو زیر نوع بخش می‌شوند: مرثیه‌های شاعر و مرثیه‌های شخصیت‌های داستان. نسبت بیت‌های مرثیه به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۵۴٪)، گرشاسپ‌نامه: (۰/۳۱٪)، برزنامه: (۰/۰۲٪)، بهمن‌نامه: (۰/۲۱٪)، کوش‌نامه: (۰/۰۱٪)، جهانگیرنامه: (۰/۱۴٪).

نوع مرثیه به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: اسطوره، حدیث نفس، وصف، گفتگو، نیایش، بٹ شکوی، سوگند.

گرشاسپ‌نامه، برزنامه، بهمن‌نامه و جهانگیرنامه: حدیث نفس.

کوش‌نامه: پیغام، گفتگو.

۲۹-۳- معما

معما در ادبیات بیشتر ناظر به آرایه‌ای است که در آن اسمی یا معنایی را به نوعی از حساب‌جمل یا قلب یا... بیاورند «تا جز به اندیشه بسیار و فکر تمام به سر آن نتوان رسید» (شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۶۷)؛ اما معما در این بررسی موقعیت‌هایی است که «قهرمان باید معماهایی را حل کند[...]. تا به مطلوب خود دست یابد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۸). در میان حماسه‌های ملی، معما تنها در شاهنامه و در شش مورد آمده که (۰/۰۷٪) کل بیت‌ها را تشکیل داده است.

۳۰-۳- مفاخره

مفاخره در ادب، توصیف همراه با اغراق شاعرانه است. اگر شاعر «آن را در وصف خویش یا قوم و تبار خود به کار برد» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۴۵). در حماسه‌ها، مفاخره به دو زیر نوع مفاخره‌های شاعر و مفاخره‌های شخصیت‌های داستان قابل تقسیم است. رجزهایی که پهلوانان پیش از نبرد بر زبان می‌آورند، در این نوع قرار گرفته‌اند. نسبت بیت‌های مفاخره به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۱۶۵٪)، گرشاسپ‌نامه: (۰/۱۱۰٪)، برزنامه: (۰/۴۰۱٪)، فرامرنامه: (۰/۴۰۱٪).

۱/۶۹)، بانو گشسپ نامه: (۷/۸۴)، شهریار نامه: (۳/۰۲)، بهمن نامه: (۰/۶۳)، کوش نامه: (۰/۶۵)، کک کوهزاد: (۳/۳۸)، جهانگیر نامه: (۱/۹۴).

نوع مفاخره به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، پیغام، اسطوره، وصف، افسانه، تک گویی درونی، حدیث نفس، هجو، عتاب، تغزل، وقایع نویسی، مدح، حسب حال، امثال و حکم، طنز.
گرشاسپ نامه: گفتگو، افسانه، نامه، وصف، پیغام، سوگند، عتاب، اسطوره، طنز.
برزو نامه: گفتگو، سوگند، هجو، پیغام.
فرامرز نامه: گفتگو، نامه.

بانو گشسپ نامه: فریب، گفتگو، رمانس، پیغام، عتاب، وصف.

شهریار نامه: گفتگو، اسطوره، نامه، فریب.

بهمن نامه: گفتگو، نامه، اسطوره، افسانه.

کوش نامه: نامه، فریب، گفتگو، پند.

کک کوهزاد: عتاب، گفتگو، سوگند.

جهانگیر نامه: گفتگو، اسطوره، پیغام، فریب، افسانه.

۳۱-۳- مناظره

مناظره در ادبیات « آن است که شاعر یا نویسنده، دو طرف را در برابر هم قرار دهد و آن‌ها را بر سر موضوعی به گفتگو وادار کند و در پایان یکی را بر دیگری غالب گرداند» (داد، ۱۳۷۵: ۲۷۷)؛ و این البته جدا از مشاجرات و رجزها و موارد مشابه است. مناظرات به عنوان نوع (در این بررسی) به پرسش و پاسخ هایی اطلاق شده که برای آزمون یا آگاهی، بین دو طرف صورت گرفته است. نسبت بیت های مناظره به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۸۱)، فرامرز نامه: (۱۱/۴۱).

نوع مناظره به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، معما، تعلیمی.

فرامرز نامه: گفتگو، تعلیمی.

۳-۳۲ نیایش

نیایش در لغت به معنی دعا و آفرین آمده (دهخدا: ذیل نیایش)؛ نیایش یا مناجات، رازگویی است به درگاه خدای تعالی و عرض درخواست از او (دهخدا: ذیل مناجات). کثرت نیایش‌های آثار حماسی، نشان از جایگاه والای دین نزد ایرانیان دارد. نکته قابل توجه در نیایش‌های این آثار، نیایش غیر ایرانیان است که می‌توانند نمودی از روحیه تحمل‌پذیری دینی نزد ایرانیان و احترام آنان به پیروان سایر ادیان باشد. شگفت آن که در هیچ یک از آثار حماسی ملی ایران (در بستری پیش از تاریخ جریان دارند) اثری از نیایش کردن ایزدان آریایی و حتی زرتشتی نیز به طور مستقیم به چشم نمی‌آید.

نیایش‌های حماسه‌ها، شامل نیایش‌های شاعر و نیایش‌های شخصیت‌های داستان می‌باشد. از نیایش‌های رایج در حماسه‌ها که یک زیر نوع به حساب می‌آید، نیایش‌های آغازین است: نیایش‌هایی که در آغاز غالب نامه‌ها و خطبه‌ها آمده است. نسبت بیت‌های نیایش به بیت‌های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۲۷٪)، گرشاسپ نامه: (۰/۷۴٪)، برزنامه: (۰/۶۸٪)، فرامرزنامه: (۰/۲۵٪)، بانوگشسپ نامه: (۰/۳٪)، بهمن نامه: (۰/۶۸٪)، کوش نامه: (۰/۱۰۲٪)، کک کوهزاد: (۰/۱۲۶٪)، جهانگیرنامه: (۰/۳۶٪).

نوع نیایش به صورت مشترک با این نوع‌ها آمده است:

شاهنامه: مرثیه، گفتگو، گله، اسطوره، مدح، نامه، فلسفی، وصف، فریب، پند، فال، معما، ستاره شمردی.

گرشاسپ نامه: افسانه، نامه، اسطوره.

برزو نامه: مدح، نامه، گفتگو.

فرامرزنامه: نامه.

بانوگشسپ نامه: وصف، نامه، فریب.

بهمن نامه: مدح، نامه، رمانس، گفتگو، افسانه، اسطوره.

کوش نامه: مدح، نامه، فریب، افسانه، گفتگو.

کک کوهزاد: گفتگو.

جهانگیرنامه: اسطوره، نامه، گفتگو.

۳-۳۳ وقایع نویسی

وقایع نویسی یا وقایع نگاری به معنی خاص، به نوشتن و ضبط وقایع سلطنت توسط وقایع‌نگار گفته

می شود (داد، ۱۳۷۵:۳۲۲). در بررسی حماسه ها، به بیان مکتوب یا شفاهی آن چه بیشتر واقع شده وقایع نویسی اطلاق گردیده که خود به دو زیر گونه وقایع نویسی و وقایع گویی بخش شده است. نسبت بیت های وقایع نویسی به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۱/۱/۹۸)، گرشاسپ نامه: (۱/۱/۱۰)، برزنامه: (۲/۵۹)، فرامرنامه: (۳/۸۲)، شهریارنامه: (۱/۸۳)، بهمن نامه: (۲/۵۷)، کوش نامه: (۳/۶۹)، جهانگیرنامه: (۱/۷۴).

نوع وقایع نویسی به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، نامه، فریب، پیغام، گله، مدح، هجو، مفاخره، عتاب، اسطوره، اعتذار، پند، وصف.
 گرشاسپ نامه: گفتگو، اسطوره، نامه.

برزنامه و شهریارنامه: گفتگو.

فرامرنامه: نامه، وصف.

بهمن نامه: پند، مدح، گفتگو، نامه، گله، عتاب، وصف.

کوش نامه: پیغام، گفتگو، نامه، پند، تقاضا، مدح، وصف.

جهانگیرنامه: گفتگو، اسطوره، فریب، نامه، پیغام.

۳۴-۳- هجو

هجو در اصطلاح ادب « نوشته هایی است که شخصیت یا ظاهر شخصی یا تشکیلات جامعه ای را گستاخانه به مسخره بگیرد و قصد آن بیشتر رنجاندن و آزار دادن باشد. هجو معمولاً برانگیخته از حس کینه و بدخواهی است و جنبه شخصی دارد (رستگارفسایی، انواع نثر فارسی، ۱۳۸۰:۲۹۹). هجو بر مبنای اغراق شاعرانه است، اگر این اغراق را درباره کسی استعمال کنند که مقصود تحقیر اوست (زرین کوب، ۱۳۷۹:۱۴۵). هجوهای حماسه ها اگر چه از زبان افراد نیک و بد نقل شده؛ اما همواره عفت و پاک دامنی کلام در آن ها رعایت شده و به دور از الفاظ رکیک و دشنام های زشت است. نسبت بیت های هجو به بیت های کل در هر یک از آثار حماسی ملی بدین شرح است: شاهنامه: (۰/۳۴)، گرشاسپ نامه: (۰/۱۹)، برزنامه: (۱/۱۷)، فرامرنامه: (۰/۱۸)، شهریارنامه: (۰/۳۲)، بهمن نامه: (۰/۳۸)، کوش نامه: (۰/۵۶)، کک کوهزاد: (۰/۸۴)، جهانگیرنامه: (۰/۴۴).

نوع هجو به صورت مشترک با این نوع ها آمده است:

شاهنامه: گفتگو، پیغام، وصف، مفاخره، نامه، مدح، حسب حال، حدیث نفس، فریب، مرثیه، طعنه، اسطوره، عتاب، نیایش، افسانه.

گرشاسپ نامه: گفتگو، حدیث نفس، عتاب، تعلیمی، فریب، اسطوره.

برزونامه: گفتگو، عتاب، مفاخره.

فرامرزنانه: گفتگو، عتاب، اسطوره.

شهریارنامه و کک کوهزاد: گفتگو.

بهمن نامه: گفتگو، عتاب، نامه، وصف، اسطوره.

کوش نامه: گفتگو، عتاب، نامه، وصف، شهر آشوب، پیغام.

جهانگیرنامه: گفتگو، فریب، افسانه، وصف، اسطوره.

۳۵-۳- انواع زیر نیز در برخی از حماسه‌های ملی دیده می‌شود که به سبب کم بودن درصد ایات و نیز رعایت اختصار به ذکر نام آن‌ها بسنده می‌کنیم: رؤیا، ستاره شمری، ساختمان و ایوان، شهر آشوب، طردیات، طعنه، طنز، فال، فصول و ماه‌ها، ماده تاریخ، گله و تهنیت.

نتیجه گیری

از میان انواع ادبی، یا آن چه قدما به آن اغراض شعری گفته‌اند، در ده اثر بزرگ حماسی ملی ایران، چهل و شش نوع ادبی قابل تشخیص است که برخی از این انواع، مانند گفتگو، نامه، پیغام،... جای بسیار مهم و قابل تأملی را در این آثار به خود اختصاص داده است به عنوان مثال گفتگو در این آثار بین (۲۸/۳۲٪) تا (۵۶/۶۵٪) کل بیت‌های منظومه را تشکیل داده است. این انواع عبارتند از: گفتگو، وصف، نامه، پیغام، اسطوره، اعتذار، افسانه، امثال و حکم، بٹ شکوی، پند، تاریخ، تراژدی، تعلیمی، تغزل، تقاضا، تک‌گویی درونی، تهنیت، حدیث نفس، حسب حال، داستان نمادین و تمثیلی، رمانس، رؤیا، ساختمان و ایوان، ستاره شمری، سوگند، شهر آشوب، طردیات، طعنه، طنز، عتاب، غنایی، فال، فریب، فصول و ماه‌ها، فلسفی، گله، ماده تاریخ، مدح، مذهبی، مرثیه، معما، مفاخره، مناظره، نیایش، وقایع نویسی، هجو.

پی‌نوشتها

۱- (مانند: مؤتمن در «شعر و ادب فارسی» و «تحول شعر فارسی»، رستگار فسایی در «انواع شعر فارسی» و «انواع نثر فارسی»، و فرشید ورد در «در باره ادبیات»).

منابع

- ۱- برومند سعید، دکتر جواد (۱۳۷۳)، دگرگونی های آوایی واژگان در زبان فارسی (واکه ها)، کرمان، کلاله کرمان، اول.
- ۲- بورشه، ت.ی. ه.ی. اشنایدر (۱۳۷۷)، زبان شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح)، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس، اول.
- ۳- بهار، مهرداد (۱۳۷۸)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگاه، سوم.
- ۴- پلارد، آرتور (۱۳۷۸)، طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران، مرکز، اول.
- ۵- تمیم داری، احمد (۱۳۷۹)، کتاب ایران (تاریخ ادب پارسی، مکتب ها، دوره ها، سبک ها و انواع ادبی)، تهران، الهدی، اول.
- ۶- جرجانی، میرسیدشریف (۱۳۷۷)، تعریفات، ترجمه حسن سید عرب / سیما نوربخش، تهران، فرزانه، اول.
- ۷- جرّ، خلیل (۱۳۸۲)، فرهنگ لاروس عربی - فارسی، ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران، امیر کبیر، سیزدهم.
- ۸- داد، سیما (۱۳۷۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، دوم.
- ۹- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع شعر فارسی، شیراز: نوید، دوم.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۰)، انواع نثر فارسی، تهران: سمت، اول.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، ارسطو و فن شعر، تهران، امیر کبیر، چهارم.
- ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، تهران، علمی، هشتم.
- ۱۳- سارتر، ژان پل (بی تا): ادبیات چیست، ترجمه ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی، بی جا، زمان، اول.
- ۱۴- سرامی، قدمعلی (۱۳۷۸)، از رنگ گل تا رنج خار، سوم، تهران، علمی و فرهنگی، اول.
- ۱۵- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۸)، سایه های شکار شده، تهران، قطره، اول.
- ۱۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، خرد و کوشش، دوره چهارم، دفتر سوم، ۹۶، ۱۱۹.

- ۱۷- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، انواع ادبی، تهران، فردوس، دهم.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۰)، نقد ادبی، تهران، فردوس، دوم.
- ۱۹- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، حماسه سرایی در ایران، تهران، امیر کبیر، ششم.
- ۲۰- غزنی، دکتر سرافراز (۱۳۷۴)، «دانش ستاره‌شناسی و نجوم فردوسی»، به کوشش غلامرضا ستوده، نمیرم ازین پس که من زنده ام (مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی)، تهران، دانشگاه تهران، اول.
- ۲۱- فرای، نورتروپ (۱۳۷۷)، تحلیل نقد، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر، اول.
- ۲۲- قیس رازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۳)، المعجم فی معاییر اشعار عجم، به کوشش دکتر سیروس شمیسا، تهران، فردوس، اول.
- ۲۳- مختاری، محمد (۱۳۶۸)، حماسه در رمز و راز ملی، تهران، قطره، اول.
- ۲۴- مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴)، شعر و ادب فارسی، بی‌جا، کتابفروشی حافظ و کتابفروشی مصطفوی.
- ۲۵- موسوی، مصطفی (۱۳۷۵)، بیژن و منیژه، تهران، سروش، اول.
- ۲۶- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۰)، هجو در شعر فارسی، تهران، دانشگاه تهران، اول.
- ۲۷- هوار، می‌یر (۱۳۸۴)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، مترجم سعید سبزیان مراد آبادی، تهران، رهنما، اول.

